



رابطه بین هموارسازی سود و عدم تقارن اطلاعاتی در چرخه زندگی شرکت های بورس اوراق بهادار تهران

دکتر محمد حامد خان محمدی^۱؛ عبدالله موسی زاده^۲

۱- استادیار گروه حسابداری، واحد دماوند،

دانشگاه آزاد اسلامی، دماوند، ایران

۲- دانشجوی دکتری حسابداری، گروه حسابداری، واحد دماوند،

دانشگاه آزاد اسلامی، دماوند، ایران

تاریخ دریافت: ۱۳۹۴/۰۳/۳۱ ، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۴/۱۱/۰۷

چکیده:

هموارسازی سود، تلاش اعمال شده توسط مدیریت جهت کاهش تغییرات غیرعادی در سود در قالب اصول حسابداری تعریف می شود. در این پژوهش رابطه بین هموارسازی سود و عدم تقارن اطلاعاتی در چرخه زندگی واحدهای تجاری مورد بررسی و سنجش قرار گرفته است. در راستای انجام تحقیق در خصوص موضوع مورد نظر و همچنین آزمون فرضیه‌های تحقیق کلیه شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران در قلمرو زمانی ۱۳۸۷-۱۳۹۱ به عنوان جامعه آماری در نظر گرفته شده است. تعداد نمونه‌ها براساس محدودیت های تحقیق، در بازه زمانی ۵ ساله، ۸۷ شرکت می‌باشند. در تحقیق حاضر جهت انجام آزمون فرضیات اصلی تحقیق از تحلیل رگرسیون و ضریب همبستگی پیرسون استفاده گردیده است. ابزار گردآوری اطلاعات، اسناد کاوی و بانکهای اطلاعاتی می باشد. داده های مورد نیاز شامل هموار سازی و عدم تقارن اطلاعاتی از اطلاعات مالی مندرج در صورتهای مالی حسابرسی شده آنها و گزارشهای مالی و نشریه‌های رسمی سازمان بورس اوراق بهادار که بصورت هفتگی، ماهانه و سالانه صورتهای مالی شرکت‌های پذیرفته شده را به چاپ می‌رساند و نیز از بانکهای اطلاعاتی بورس بوده که این اطلاعات از سوابق موجود در نرم افزار ره آورد نوین و سایر نرم افزارها و در مواردی از آرشیوهای الکترونیکی و اینترنتی استخراج شده است. در راستای



* نویسنده مسئول



هدف تحقیق ۳ فرضیه تدوین گردیده و برای تجزیه و تحلیل داده ها و آزمون فرضیه هازمدل رگرسیون چندمتغیره و داده های ترکیبی استفاده شده است. مهمترین یافتههای تحقیق عبارت است از اینکه بین هموارسازی سود و عدم تقارن اطلاعاتی در هیچ یک از مراحل چرخه عمر شرکت رابطه معناداری وجود ندارد. که نتایج حاصل شده حاکی از ناآگاهی سرمایه گذاران نسبت به هموار سازی سود می باشد.

واژه های کلیدی: هموارسازی سود، اقلام تعهدی اختیاری، چرخه عمر شرکت، عدم تقارن اطلاعاتی

مقدمه:

از دیدگاه تئوری حسابداری، پدیده هموارسازی سود در رویکرد رفتاری، موضوعی مهم و قابل تأمل است. علاوه بر آن در عمل نیز حسابداران، حسابرسان و تحلیل گران مالی در فرایند گزارشگری مالی، به نوعی با این پدیده و پیامدهای آن مواجه بوده‌اند. سهم عمده ای از تحقیقات و مطالعات نظری در موضوع هموارسازی سود، متعلق به کشورهای توسعه یافته است. از دیدگاه امور مالی نتایج این تحقیقات برخی زمینه های لازم را برای کارایی بازار سرمایه در محیط اقتصادی مورد نظر فراهم نماید.

بیان مسئله و اهمیت آن: بازار اصلی انتقال اطلاعات به استفاده کنندگان، صورتهای مالی اساسی است و صورت سود و زیان، یکی از صورتهای مالی اساسی که در ارزیابی وظیفه مباشرت مدیریت یا حساب دهی آنها در قبال منابعی که در اختیار دارند، از اهمیت زیادی برخوردار بوده، صورت سود و زیان در برگیرنده بازده حاصل از منابع تحت کنترل مدیریت واحد تجاری و عملکرد واحد تجاری را در طی دوره مورد نظر منعکس میکند. چون مسئولیت تهیه صورتهای مالی بر عهده مدیریت واحد تجاری است و دسترسی مستقیم مدیران به اطلاعات و داشتن حق انتخاب روشهای اختیاری حسابداری، امکان هموارسازی سود بوجود می آید. به دلیل این که سرمایه گذاران به عنوان یکی از فاکتورهای مهم تصمیم گیری به ارقام سود توجه خاصی دارند [۴]، این تحقیق از جنبهی رفتاری، اهمیت ویژه ای دارد. از انگیزه های مدیریت سود، کاهش خطای پیش بینی سود در دوره جاری و آتی است. مدیران علاقه مندند که پیش بینی های انجام شده در رابطه با سود تحقق یابد؛ چنان چه این امر محقق نشود، مدیران با استفاده از ابزارهایی سود را مدیریت میکنند. استفاده فرصت طلبانه از هموارسازی سود، بر شفافیت گزارش مالی تأثیر معکوس میگذارد. چونکه عدم تقارن اطلاعاتی، تغییر پذیری بالای سود منجر به منافع اطلاعاتی بیشتر برای سرمایه گذاران آگاه نسبت به سرمایه گذاران نا آگاه می شود.

همچنین تئوری چرخه عمر شرکت، فرض میکند که شرکت ها، همچون تمامی موجودات زنده که متولد میشوند، رشد میکنند و میمیرند، و بر مبنای قابلیت کنترل و انعطاف پذیری نمایان می شوند. در



جوانی (دوران رشد) سازمان‌ها بسیار انعطاف‌پذیر، با افزایش عمر، کنترل افزایش و انعطاف‌پذیری کاهش می‌یابد.

در نهایت، با پیر شدن (دوران افول) قابلیت کنترل نیز کاهش خواهد یافت. هنگامی که واحد تجاری قابلیت کنترل داشته و انعطاف‌پذیر باشد، بیانگر این است که توأمان مزایای جوانی و پیری را دارند، این وضعیت تحت عنوان مرحله تکامل (بلوغ) شناخته می‌شود [۷].

ادبیات پیشینه: هموارسازی سود بر بازده سهام شرکت‌ها تأثیر گذاشته و بازار به سودهای هموار پاسخ مثبت نشان می‌دهد [۱۶].

اگر چه انگیزه اصلی مدیریت معمولاً بهبود عملکرد است اما ممکن است مدیریت سعی در انتخاب آن دسته از روش‌های حسابداری داشته باشد که سود شرکت را در آینده نزدیک افزایش دهد که خود موجب بالا رفتن حقوق و مزایای مدیران می‌شود. در این قبیل موارد، امکان دارد که تصمیمات مدیران، همسو با علایق و منافع سهامداران نباشد [۵].

مدیران شرکتهای سهامی درباره ارزش شرکت نسبت به سهامداران بیرون از شرکت اطلاعات بیشتری دارند. این امر منجر به عدم تقارن اطلاعاتی در بازار سهام می‌شود [۶].

احمد پور و عجم [۲] در بررسی رابطه بین کیفیت اقلام تعهدی و عدم تقارن اطلاعاتی در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس پرداختند و نشان دادند که کیفیت اقلام تعهدی شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران تأثیر معنی‌داری بر میزان عدم تقارن اطلاعاتی ندارد.

چن [۱۲] به بررسی اثر هموارسازی سود بر عدم اطمینان اطلاعاتی، بازده سهام و هزینه سرمایه پرداخت. نتایج نشان می‌دهد که هموارسازی سود منجر به کاهش عدم اطمینان اطلاعاتی واحد تجاری می‌شود. لافلند [۱۵] و همکاران استدلال می‌کنند که کاربرد فرصت طلبانه هموارسازی سود ممکن است بر شفافیت داده‌های حسابداری گزارش شده تأثیر معکوس بگذارد.

زو [۱۸] در تحقیقی با طبقه‌بندی شرکت‌ها به مراحل رشد، بلوغ و افول به بررسی تأثیر چرخه عمر بر میزان مربوط بودن معیارهای ریسک پرداخت. یافته‌های وی نشان می‌دهد که میزان مربوط بودن و نیز توان توضیحی افزایش‌دهنده معیارهای ریسک در مراحل مختلف چرخه عمر تفاوت معناداری با یکدیگر دارند. توان توضیحی افزایش‌دهنده معیارهای ریسک در مرحله افول، دارای بیشترین مقدار و در مرحله بلوغ دارای کمترین مقدار هستند.

کیم و چارلیسون [۱۴] به ارزیابی ارتباط مدیریت هزینه سرمایه با مدیریت سود واقعی و مدیریت سود تعهدی در شرکتهای بزرگ ایالات متحده آمریکا پرداختند. به این نتیجه رسیدند که هزینه‌ی سرمایه با مدیریت سود واقعی و مدیریت حسابداری سود رابطه‌ی مثبتی دارد.

رویچوداری و همکاران [۱۷] یافتند که مدیریت سود واقعی موجب قیمت‌گذاری غیر عقلایی سهام



شرکتهای مدیریت کننده سود میگردد.

آنتونی و رامش [۷] در تحقیق خود به منظور تفکیک شرکت ها به مراحل چرخه‌ی عمر از چهار متغیر: رشد فروش، مخارج سرمایه‌های، نسبت سود تقسیمی و سن شرکت استفاده نمودند.

بلک [۱۱] به بررسی توان توضیحی افزاینده الگوهای ارزش گذاری مبتنی بر ارقام تعهدی در مقایسه با الگوهای ارزش گذاری مبتنی بر جریان های نقدی با توجه به تئوری چرخه عمر پرداخت. یافته های وی نشان میدهد که توان توضیحی الگوهای ارزش گذاری مبتنی بر ارقام تعهدی و جریانهای نقدی در مراحل مختلف چرخه عمر تفاوت معناداری با یکدیگر دارند. در مرحله رشد و افول الگوهای ارزش گذاری مبتنی بر جریانهای نقدی مربوطتر هستند و در مرحله بلوغ عکس این موضوع صادق است.

جنکینز و همکاران [۱۳] به بررسی تأثیر چرخه عمر شرکت بر میزان مربوط بودن اجزای سود پرداختند. یافته‌های وی نشان میدهد که میزان مربوط بودن اجزای سود بسته به اینکه شرکت در کدام مرحله از چرخه عمر قرار دارد، متفاوت است.

با توجه به موارد مطروحه فوق در پژوهش حاضر سؤالات زیر مطرح می‌شود

۱) آیا بین هموارسازی سود از طریق ارقام تعهدی اختیاری و عدم تقارن اطلاعاتی واحد تجاری در مرحله رشد رابطه وجود دارد؟

۲) آیا بین هموارسازی سود از طریق ارقام تعهدی اختیاری و عدم تقارن اطلاعاتی واحد تجاری در مرحله بلوغ رابطه وجود دارد؟

۳) آیا بین هموارسازی سود از طریق ارقام تعهدی اختیاری و عدم تقارن اطلاعاتی واحد تجاری در مرحله افول رابطه وجود دارد؟

فرضیه ها: در این تحقیق با در نظر گرفتن پرسش تحقیق که بر پایه مطالعات انجام شده و یافته های مطالعات قبلی بوده فرضیه های زیر مطرح است:

۱. بین هموارسازی سود از طریق ارقام تعهدی اختیاری و عدم تقارن اطلاعاتی واحد تجاری در مرحله رشد رابطه وجود معناداری دارد.

۲. بین هموارسازی سود از طریق ارقام تعهدی اختیاری و عدم تقارن اطلاعاتی واحد تجاری در مرحله بلوغ رابطه وجود معناداری دارد.

۳. بین هموارسازی سود از طریق ارقام تعهدی اختیاری و عدم تقارن اطلاعاتی واحد تجاری در مرحله افول رابطه وجود معناداری دارد.

مدل رگرسیونی مربوط به فرضیه های تحقیق در مراحل رشد، بلوغ و افول:

$$ABSi = \alpha + \beta1 DA \text{ Smoothing} + \beta2 \ln(\text{Size}) + \beta3 \ln(\text{BM}) + \beta4 \text{Leverage} + C$$

عدم تقارن اطلاعاتی (دامنه تفاوت قیمت خرید و فروش سهام) شرکت هادر مراحل رشد، بلوغ و افول.



DA Smoothing: هموارسازی سود از طریق ارقام تعهدی اختیاری شرکت های مرحله بلوغ.
Ln (Size): لگاریتم ارزش بازار سهام شرکتهای مرحله بلوغ.

Ln (BM): لگاریتم ارزش بازار به ارزش دفتری سهام شرکتهای مرحله بلوغ.

Leverage: نسبت بدهیهای بلندمدت به کل داراییهای شرکتهای مرحله بلوغ.

α : عرض از مبدأ رگرسیون. $\beta 1$ تا $\beta 5$ برآورد کننده شیب خط رگرسیون. ϵ : خطا.
متغیرها ونحوه اندازه گیری:

۱) متغیر مستقل: هموار سازی سود از طریق ارقام تعهدی اختیاری

۲) متغیر وابسته: عدم تقارن اطلاعاتی

۳) متغیر تعدیل گر (مستقل ثانوی = کاتالیزور): مراحل چرخه زندگی شرکت ها (رشد، بلوغ، افول)

۴) متغیر کنترلی: لگاریتم ارزش بازار سهام، ارزش بازار به ارزش دفتری، نسبت بدهی بلندمدت به کل داراییها

چرا در این تحقیق از سه متغیر کنترلی برای تعیین مرحله عمر استفاده شده در حالیکه مدل آنتونی ورامش چهار متغیر دارد.

آنتونی ورامش [۷] در تحقیق خود برای تفکیک شرکت ها به مراحل مختلف چرخه عمر از چهار متغیر، رشد فروش، مخارج سرمایه ای، نسبت سود تقسیمی و سن [عمر] شرکت استفاده نمودند و به دلیل اینکه در تعیین عمر واقعی برخی از شرکت ها به علت تحصیل، ادغام و ایجاد شخصیت حسابداری و گزارشگری جدید بعد از تحصیل با مشکل مواجه هستیم، و به علت غیر فعال بودن معامله [خرید و فروش] سهام یا غیر بورسی بودن شرکت های نوظهور، بنابراین متغیر سن [عمر] شرکت حذف شده و چرخه عمر به صورت سه مرحله رشد، بلوغ و افول تعریف شده و از مرحله ظهور چشم پوشی شده است.

اندازه گیری متغیر مستقل، هموار سازی سود از طریق ارقام تعهدی اختیاری به روش مدل جونز تعدیل شده، در این تحقیق جمع ارقام تعهدی از طریق سود و زیانی به شرح زیر محاسبه می شود.

$$TA_{it} = EARN_{it} - CFO_{it}$$

$$Dat = TAt - NDA_{it}$$

Tat: کل ارقام تعهدی در سال t

EARN_{it}: سود عادی و نرمال یعنی سود قبل از ارقام غیر مترقبه

Dat: اجزاء اختیاری ارقام تعهدی در سال t

CFO_{it}: وجه نقد عملیاتی

NDA_{it}: بخش غیر اختیاری ارقام تعهدی در سال t



$$NDA_t = \alpha_1 \left(\frac{1}{A_{t-1}} \right) + \alpha_2 \left(\frac{\Delta REV_t - \Delta REC_t}{A_{t-1}} \right) + \alpha_3 \left(\frac{PPE_t}{A_{t-1}} \right) + et$$

ΔREV_t : درآمد سال t منهای درآمد سال $t-1$

ΔREC_t : حسابهای دریافتی سال t منهای حسابهای دریافتی سال $t-1$

PPE_t : اموال، ماشین آلات و تجهیزات (دارایی های ثابت پس از کسر استهلاک انباشته) در پایان سال t

et : جزء ناشناخته.

$\alpha_1, \alpha_2, \alpha_3$: پارامترهای خاص شرکت می باشد.

اندازه گیری متغیر وابسته: عدم تقارن اطلاعاتی (ABS)

$$ABS_{it} = \frac{AP-BP}{(AP+BP)/2} \times 100$$

ABS_{it} : دامنه تفاوت قیمت پیشنهادی خرید و فروش سهام

AP : میانگین سالانه قیمت پیشنهادی فروش سهام شرکت

BP : میانگین سالانه قیمت پیشنهادی خرید سهام شرکت

اندازه گیری متغیرهای کنترلی:

$Ln (Size) t$: لگاریتم ارزش بازار سهام شرکت ها.

$Ln (BM) t$: لگاریتم ارزش دفتری به ارزش بازار سهام شرکت ها.

$Ln (BM) t = LN$ ارزش بازار سهام / ارزش دفتری سهام

$Leveraget$: نسبت بدهیهای بلندمدت به کل دارایی ها

کل دارایی ها / بدهی های بلندمدت = $Leveraget$

اندازه گیری متغیرهای تعدیل گر [مستقل ثانوی = کاتالیزور]: چرخه عمر شرکت

$$SG_{it} = [1 - (SALE_{it} / SALE_{it-1})] * 100$$

۱- رشد فروش

$$DPR_{it} = (DPS_{it} / EPS_{it}) * 100$$

۲- نسبت سود تقسیمی

$$Ce_{it} = 100 * (ارزش بازار شرکت / اضافات (کاهش) دارایی های ثابت طی دوره) = Ce_{it}$$

۳- مخارج سرمایه ای
روش تحقیق:



این تحقیق از نوع تحقیقات کاربردی بوده و هدفش توسعه دانش کاربردی در یک زمینه خاص می باشد. هم چنین از نظر روش و ماهیت از نوع تحقیق همبستگی است. روش تحقیق به صورت استقرایی و در رد یا اثبات فرضیه های تحقیق با بکارگیری روش های آماری مناسب، از استدلال استقرایی می باشد. چون هدف تحقیق شناخت رابطه همبستگی بین متغیرهاست و با استفاده از ضریب همبستگی تعیین می شود.

مؤلفه های آماری	ضریب تعیین تعدیل شده	تعداد	اماره F سطح معناداری	دوربین واتسن	سطح خطا	ارتباط خطی بین متغیرها
ازمون روابط بین متغیرها						
ارتباط بین هموار سازی و عدم تقارن اطلاعاتی در مرحله رشد	۰/۱۱۷۵۳۱	۶۸	۳/۰۸۴۳۸۹ ۰/۰۴۲۹۸۲	۱/۷۸۹۱۷۲	۰/۰۵	عدم پذیرش
ارتباط بین هموار سازی و عدم تقارن اطلاعاتی در مرحله بلوغ	۰/۱۸۰۳۹۷	۳۰۳	۵/۰۲۱۵۸۱ ۰/۰۰۰۷۳۵	۱/۵۱۱۵۱۷	۰/۰۵	عدم پذیرش
ارتباط بین هموار سازی و عدم تقارن اطلاعاتی در مرحله افول	۰/۳۵۱۸۱۳	۶۳	۳/۱۰۴۲۱۸ ۰/۰۰۱۳۵۲	۱/۶۹۱۳۰۲	۰/۰۵	عدم پذیرش

جامعه مطالعاتی و نمونه آماری، تعداد شرکتهای پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران در پایان سال ۱۳۹۱ برابر ۵۲۷ شرکت بوده، که تعداد ۸۷ شرکت به روش نمونه گیری سیستماتیک در این تحقیق انتخاب و برای هر متغیر تعداد ۴۳۵ داده- سال، جهت آزمون فرضیه های آماری محاسبه شده اند.

آماراستنباطی:

مدل رگرسیون خطی چند متغیره برای فرضیه اول و دوم و سوم

$$ABS_{it} = \alpha + \beta_1 DA_{it} + \beta_2 \ln(\text{Size})_{it} + \beta_3 \ln(\text{BM})_{it} + \beta_4 \text{Leverage}_{it} + \epsilon_{it}$$

بررسی نرمال بودن متغیر وابسته

توزیع داده های نرمال است: H_0

توزیع داده های نرمال نیست: H_1



مراحل عمر	متغیرها	آماره ی K-S	درجه آزادی	سطح معناداری
رشد	عدم تقارن اطلاعاتی	0/329	68	0/000
بلوغ	عدم تقارن اطلاعاتی	0/397	303	0/000
افول	عدم تقارن اطلاعاتی	0/325	63	0/000

طبق خروجی های spss از آنجایی که کلیه مقادیر سطح معناداری، در مدل کمتر از ۵٪ است، بنابراین فرض صفر یعنی نرمال بودن متغیرها رد می شود. برای رفع این مشکل و با توجه به این که در بین داده ها (عدم تقارن اطلاعاتی) تعداد زیادی داده صفر وجود دارد که لگاریتم اعداد صفر تعریف نشده است لذا برای حل این مشکل از توابع تبدیلی استفاده می کنیم.

نتایج آزمون هاسمن (انتخاب بین اثرات ثابت و تصادفی)

فرضیه صفر (H_0)	مدل های تحقیق	آماره کای-دو	درجه آزادی	p-value	نتیجه آزمون
روش اثرات تصادفی	مرحله رشد	16/170888	4	0/0067	H_0 رد می شود
	مرحله بلوغ	17/375255	4	0/0043	H_0 رد می شود
	مرحله افول	11/891082	4	0/0158	H_0 رد می شود

نتایج نشان می دهد مقدار این آماره برای هر کدام از مدل ها معنی دار می باشد و با توجه به سطح معناداری مورد گزارش بیانگر رد فرضیه H_0 و پذیرش فرض H_1 در سطح اطمینان ۹۵ درصد برای هر کدام از مدل ها بوده و بر استفاده از روش اثرات ثابت دلالت دارد.

آزمون فرضیه اصلی اول

ضریب همبستگی پیرسون	متغیرها
0/107	ضریب همبستگی پیرسون
0/191	سطح معناداری
68	تعداد

هموار سازی و عدم تقارن اطلاعاتی در مرحله رشد



با توجه به میزان ضریب همبستگی بین دو متغیر هموار سازی و عدم تقارن اطلاعاتی در مرحله رشد و با توجه به اینکه سطح معناداری برای هموار سازی و عدم تقارن اطلاعاتی معنادار نمی باشد، لذا همبستگی بین این دو متغیر تایید نمی گردد، و بین این دو متغیر همبستگی معناداری وجود ندارد.

برآورد رگرسیونی برای رابطه بین عدم تقارن اطلاعاتی و هموار سازی سود در مرحله رشد

متغیر	علامت اختصاری	ضریب	t آماره	احتمال p-value	R ² تعدیل شده	دورین-واتسن	آماره F (معناداری F)	تعداد مشاهدات
ضریب ثابت	β_0	-11.80899	-2.784835	0.0038	0.117531	1.78917	3.084389 0.042982	68
هموار سازی	Smoothing	-2.74E-07	-0.598964	0.5534				
لگاریتم ارزش بازار سهام	ln (Size)	1.671964	2.129267	0.0498				
لگاریتم ارزش دفتری به ارزش بازار	ln (BM)	1.172885	1.466951	0.1521				
نسبت بدهی بلند مدت به کل دارایی	Leverage	3.954588	0.805732	0.4263				

همانطور که در مدل بالا مشاهده می گردد، بین هموار سازی و عدم تقارن اطلاعاتی، رابطه ی معنا داری وجود ندارد. بررسی مقدار ضریب تعیین تعدیل شده مدل (۰/۱۱۷) نشان دهنده توان توضیح دهندگی پایین مدل به منظور تشریح متغیر وابسته می باشد. بدین معنا که در حدود ۱۱.۷٪ از تغییرات عدم تقارن اطلاعاتی توسط مدل قابل تبیین می باشد. ملاحظه مقدار آماره F رگرسیون در این مدل حکایت از توان توضیح دهندگی مدل دارد زیرا مقادیر F محاسباتی در سطح خطای ۰/۰۵ درصد معنا دار می باشد. همچنین ملاحظه مقادیر آماره دورین-واتسون موید این مطلب است که بین اجزا اخلاص مدل، خود همبستگی وجود ندارد زیرا این مقادیر در فاصله ۱/۵ تا ۲/۵ می باشند. بنابراین با توجه به مقدار آهای محاسبه شده و نیز ضریب تعیین تعدیل شده می توان گفت، بین هموار سازی و عدم تقارن اطلاعاتی در مرحله رشد رابطه ی خطی معناداری وجود ندارد.

$$LNABSit = -11/80899 + 1/671964 (Size) it$$

آزمون فرضیه اصلی دوم

ضریب همبستگی پیرسون بین هموارسازی و عدم تقارن اطلاعاتی در مرحله بلوغ

متغیرها	ضریب همبستگی پیرسون	
هموار سازی و عدم تقارن اطلاعاتی در مرحله بلوغ	ضریب همبستگی پیرسون	0.023
	سطح معناداری	0.694
	تعداد	303

توجه به میزان ضریب همبستگی بین دو متغیر هموار سازی و عدم تقارن اطلاعاتی در مرحله بلوغ، و با توجه به اینکه سطح معناداری برای هموار سازی و عدم تقارن اطلاعاتی معنادار نمی باشد، لذا همبستگی



بین این دو متغیر تایید نمی گردد، و بین این دو متغیر همبستگی معناداری وجود ندارد.

برآورد رگرسیونی برای رابطه بین عدم تقارن اطلاعاتی و هموار سازی سود در مرحله بلوغ

متغیر	علامت احتمالی	ضریب	t آماره	احتمال p-value	R ² تعدیل شده	دوربین-واتسن	آماره F (معناداری F)	تعداد مشاهدات
ضریب ثابت	β_0	-4/948296	-2/002193	0/0487	0/180397	1/511517	5/021581 0/000735	303
هموار سازی	Smoothing	4/49E-08	0/392182	0/6954				
لگاریتم ارزش بازار سهام	ln (Size)	0/966834	3/016930	0/0029				
لگاریتم ارزش دفتری به ارزش بازار	ln (BM)	0/693289	2/273504	0/0242				
نسبت بدنه بلند مدت به کل دارایی	Leverage	3/086142	1/754038	0/0811				

با توجه به نتایج جدول و با توجه به مقدار t های محاسبه شده و نیز احتمال مربوط به آنها، از بین ضرایب برآوردی مدل، تنها ضریب ثابت و متغیرهای لگاریتم ارزش بازار سهام و لگاریتم ارزش دفتری به ارزش بازار در سطح خطای ۵ درصد معنادار می باشد (سطح معناداری کمتر از ۵٪ می باشد) و وجود آنها در مدل لازم می باشد و مابقی متغیرها از مدل رگرسیونی حذف می گردند.

همانطور که در مدل بالا مشاهده می گردد، بین هموار سازی و عدم تقارن اطلاعاتی، رابطه ی معناداری وجود ندارد. بررسی مقدار ضریب تعیین تعدیل شده مدل (۰/۱۸۰) نشان دهنده توان توضیح دهندگی نسبتاً پایین مدل به منظور تشریح متغیر وابسته می باشد. بدین معنا که تنها در حدود ۱۸٪ از تغییرات عدم تقارن اطلاعاتی توسط مدل قابل تبیین می باشد. ملاحظه مقدار آماره F رگرسیون در این مدل حکایت از توان توضیح دهندگی مدل دارد زیرا مقادیر F محاسباتی در سطح خطای ۰/۰۵ درصد معنادار می باشد. همچنین ملاحظه مقادیر آماره دوربین-واتسن موید این مطلب است که بین اجزا اخلاص مدل، خود همبستگی وجود ندارد زیرا این مقادیر در فاصله ۱/۵ تا ۲/۵ می باشند. بنابراین با توجه به مقدار t های محاسبه شده و نیز ضریب تعیین تعدیل شده می توان گفت، بین هموار سازی و عدم تقارن اطلاعاتی در مرحله بلوغ رابطه ی خطی معناداری وجود ندارد.

$$LNABSit = -4/948296 + 0/966834 (Size) it + 0/693289 \ln (BM) it$$

آزمون فرضیه اصلی سوم

متغیرها	ضریب همبستگی پیرسون	
هموار سازی و عدم تقارن اطلاعاتی در مرحله بلوغ	ضریب همبستگی پیرسون	0/134
	سطح معناداری	0/296
	تعداد	63

با توجه به میزان ضریب همبستگی بین دو متغیر هموار سازی و عدم تقارن اطلاعاتی در مرحله افول، و با توجه به اینکه سطح معناداری برای هموار سازی و عدم تقارن اطلاعاتی معنادار نمی باشد، لذا همبستگی



بین این دو متغیر تایید نمی گردد، و بین این دو متغیر همبستگی معناداری وجود ندارد.

برآورد رگرسیونی برای رابطه بین عدم تقارن اطلاعاتی و هموار سازی سود در مرحله افول

متغیر	تخلامت اختصاری	ضرب	t آماره	احتمال p-value	R ² تعدیل شده	دورین-واتسن	آماره F (معناداری F)	تعداد مشاهدات
ضرب ثابت	β_0	0/600390	2/874175	0/0173	0/351813	1/69130	3/103218 0/001352	63
هموار سازی	Smoothing	5/23E-09	1/106976	0/2741				
لگاریتم ارزش بازار سهام	ln (Size)	0/187170	4/625314	0/0000				
نسبت بدهی بلند مدت به کل دارایی	Leverage	-0/191477	-1/096808	0/2784				
لگاریتم ارزش دفتری به ارزش بازار	ln (BM)	0/164612	4/199704	0/0001				

همانطور که در مدل بالا مشاهده می گردد، بین هموارسازی و عدم تقارن اطلاعاتی، رابطه ی معناداری وجود ندارد. بررسی مقدار ضریب تعیین تعدیل شده مدل (۰/۳۵۱) نشان دهنده توان توضیح دهندگی مناسب مدل به منظور تشریح متغیر وابسته می باشد. بدین معنا که در حدود ۱/۳۵٪ از تغییرات عدم تقارن اطلاعاتی توسط مدل قابل تبیین می باشد. ملاحظه مقدار آماره F رگرسیون در این مدل حکایت از توان توضیح دهندگی مدل دارد زیرا مقادیر F محاسباتی در سطح خطای ۰/۰۵ درصد معنادار می باشد. همچنین ملاحظه مقادیر آماره دورین-واتسون موید این مطلب است که بین اجزا اخلال مدل، خود همبستگی وجود ندارد زیرا این مقادیر در فاصله ۱/۵ تا ۲/۵ می باشند. بنابراین با توجه به مقدار t های محاسبه شده و نیز ضریب تعیین تعدیل شده می توان گفت، بین هموار سازی و عدم تقارن اطلاعاتی در مرحله افول رابطه ی خطی معناداری وجود ندارد.

$$LNABS_{it} = 0/600390 + 0/18717 \ln(\text{Size})_{it} + 0/164612 \ln(\text{BM})_{it}$$

نتیجه گیری بر اساس فرضیه های تحقیق:

۱. بررسی فرضیه اول: بین هموار سازی و عدم تقارن اطلاعاتی در مرحله رشد، همبستگی و رابطه ی خطی معناداری وجود ندارد.
۲. بررسی فرضیه دوم: بین هموار سازی و عدم تقارن اطلاعاتی در مرحله بلوغ، همبستگی و رابطه ی خطی معناداری وجود ندارد.
۳. بررسی فرضیه سوم: بین هموار سازی و عدم تقارن اطلاعاتی در مرحله افول، همبستگی و رابطه ی خطی معناداری وجود ندارد.

نتایج تحقیق های مشابه:



۱. نتایج تحقیق احمدپور و همکاران [۲]، مبنی بر این که بین عدم تقارن اطلاعاتی با جریان نقدی غیرعادی و تولید غیرعادی رابطه مستقیم وجود دارد مطابقت ندارد، ولی از این نظر که بیان میکنند بین عدم تقارن اطلاعاتی و هزینه‌های اختیاری غیرعادی رابطه معنیداری مشاهده نشده است با یافته‌های این پژوهش مطابقت دارد.
۲. نتایج تحقیق عدیلی و همکاران [۳]، مبنی بر این که بین عدم تقارن اطلاعاتی با مدیریت سود رابطه مستقیم وجود دارد مطابقت ندارد.
۳. نتایج تحقیق ابراهیمیان و همکاران [۱]، بین عدم تقارن اطلاعاتی و هزینه‌های اختیاری غیرعادی رابطه معنیداری مشاهده نشده است با یافته‌های این پژوهش مطابقت دارد.
۴. حجازی و قیطاسی [۴]، نشان می‌دهد که اقلام تعهدی اختیاری به عنوان معیار هموارسازی سود نسبت به اقلام تعهدی کل، توانایی بیشتری در توضیح عدم اطمینان اطلاعاتی واحد تجاری دارند.

نتیجه گیری کلی،

نتیجه کلی این تحقیق نشان دهنده وقوع رفتارهای غیرمنطقی و اعتقاد به ثبات عملکردی در بازار و احتمال گمراهی بازار است، اگر کاهش عدم تقارن اطلاعاتی را به عنوان یکی از اهداف اصلی سرمایه گذاران در بورس اوراق بهادار بپذیریم، توصیه می‌گردد جهت تقویت منطق گزایی در بورس اوراق بهادار تهران و کاهش شیوع رفتارهای هیجانی و نابخردانه، کیفیت سود شرکتها به طور جدی مد نظر قرار گیرد.

پیشنهادها:

پیشنهادهایی در راستای یافته‌های پژوهش

۱. چون در نتایج حاصل از این تحقیق و در معادله هر سه فرضیه‌های مطرح شده، اندازه شرکت مثبت و رابطه مستقیم با متغیر عدم تقارن اطلاعاتی دارد، بنابراین هر چه اندازه شرکت بزرگتر باشد، عدم تقارن اطلاعاتی نیز بیشتر می‌شود.
۲. چون بین هموارسازی و عدم تقارن اطلاعاتی، رابطه معناداری وجود ندارد، پس سرمایه گذاران بورسی نبایستی در این ارتباط نگران سرمایه گذاری خود باشند.
۳. به نهاده‌های تدوین کننده مقررات مثل سازمان بورس، بانک مرکزی و... پیشنهاد می‌شود که در تدوین مقررات مربوطه به مؤلفه‌های کیفیت سود، بیشتر به محتوا و اثربخشی مؤلفه‌ها و نه فقط شکل آنها توجه کنند.
۴. به محققانی که قصد استفاده از متغیر عدم تقارن اطلاعاتی در مطالعات خود را دارند، پیشنهاد می‌شود که از شاخص‌های دیگر محاسبه عدم تقارن اطلاعاتی استفاده کنند، زیرا عدم تقارن اطلاعاتی در برگیرنده عوامل متعددی است.



۵. در خلاصه صورتهای مالی منتشره بورس، بسیاری از اطلاعات مهم صورت های مالی وجود ندارد. ضروریست برای فراهم آوردن صورت های مالی شرکت ها، سازمان بورس، جهت راهاندازی و نگهداری یک بانک اطلاعاتی جامع از صورتهای مالی و سایر اطلاعات مورد نیاز ایجاد نماید و یا از طریق یکی از شرکت های فعال در این زمینه این مهم را عملی سازد.

پیشنادهایی برای پژوهشهای آتی:

۱. به محققان و پژوهشگران پیشنهاد می شود که برای پژوهش های آتی دوره زمانی تحقیق را طولانی تر در نظر بگیرند.
۲. بررسی هموارسازی سود در شرکت های دولتی و غیر دولتی.
۳. بررسی تأثیر اجرای استاندارد حسابداری خاص، بر هموارسازی سود.
۴. می توان با استفاده از قیمت های پیشنهادی بین روزی، خرید و فروش سهام، سطح عدم تقارن اطلاعاتی را به صورت روزانه در بورس مطالعه نمود. یعنی تا ساعت خاصی (مثلاً ساعت ۱۱) در طول فعالیت روزانه بورس به عنوان زمان مورد نظر انتخاب شود و قیمت های پیشنهادی خرید و فروش را در طی این ساعت خاص مورد بررسی قرار داده و تاثیر آن را بر هموارسازی یا سایر متغیرهای مالی نظیر حجم معامله و... در همان ساعت مورد ارزیابی قرار گیرد و سطح عدم تقارن اطلاعاتی به صورت ساعتی تعیین می شود. و ساعاتی که در آن بیشترین سطح عدم تقارن اطلاعاتی در بازار حاکم است را تعیین نمود.
- پیشنهاد می گردد که وجود عدم تقارن اطلاعاتی در بین صنایع مختلف اندازه گیری و مورد ارزیابی قرار گیرد. بدین منظور لازم است شرکتها از لحاظ نوع صنعت دسته بندی شده و برای هر صنعت دامنه قیمت پیشنهادی خرید و فروش سهام [سطح عدم تقارن اطلاعاتی] محاسبه شده و مقایسه گردد.

منابع

- ۱- ابراهیمیان، م. (۱۳۸۹)، "بررسی اثرات هموارسازی سود بر ارزش افزوده اقتصادی شرکتهای پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران"، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه علوم و تحقیقات اراک.
- ۲- احمد پور کاهگری، ا. عجم، م. ۱۳۸۹، "بررسی رابطه بین کیفیت اقلام تعهدی و عدم تقارن اطلاعاتی در شرکتهای پذیرفته شده و بورس اوراق بهادار تهران"، فصل نامه بورس اوراق بهادار، ۱۱: ۱۲۴-۱۰.
- ۳- احمدپور، ا. عدیلی، م. ۱۳۹۲، "بررسی رابطه عدم تقارن اطلاعاتی و مدیریت واقعی سود"، مجله پژوهش حسابداری مالی، شماره ۱۸. ۱۱.
- ۴- حجازی، ر.، قیطاسی، ر.، ۱۳۹۰، "هموارسازی سود و عدم اطمینان اطلاعاتی" مجله حسابداری و حسابداری

دانشکده مدیریت دانشگاه تهران، سال سیزدهم، شماره ۶۳، ۷۸.

۵- شباهنگ، ر، ۱۳۸۷، تئوری حسابداری، جلد اول، مرکز تحقیقات تخصصی حسابداری و حسابرسی.

۶- نوروش، ا، و علی ابراهیمی کردلر، ۱۳۸۴، "بررسی و تبیین رابطه ترکیب سهامداران با تقارن اطلاعات و سودمندی معیارهای حسابداری عملکرد"، مجله بررسی های حسابداری و حسابرسی دانشکده مدیریت دانشگاه تهران، شماره ۴۲.

۷- پرتوی، ن، والهام آبشیرینی، ۱۳۹۲، "بررسی رابطه بین مدیریت واقعی سودومدیریت حسابداری سودازدیدگاه هموارسازی سود"، مجله تحقیقات حسابداری و حسابرسی، انجمن حسابداری ایران، شماره ۱۷.

۸- سجادی، ح، وحمزہ ملکیان، ۱۳۹۲، "تائیراقدام غیرمترقبه بر محتوای اطلاعاتی سودوهموارسازی سود"، مجله تحقیقات حسابداری و حسابرسی، انجمن حسابداری ایران، شماره ۱۷.

۹- ساریانها، م، واسماعیل امیری، ۱۳۸۹، "بررسی تاثیرهموارسازی در شکل گیری حباب قیمتی در بورس اوراق بهادار تهران"، مجله تحقیقات حسابداری و حسابرسی، انجمن حسابداری ایران، شماره ۶.

10-Anthony, J.H., Ramesh, K., (1992), "Association between Accounting Performance Measures and Stock Prices a test of the life cycle hypothesis", Journal of Accounting and Economics, 15: 203-27.

11-Balk, E., (1998), "Life – Cycle Impacts on the Incremental Relevance of Earning and Cash Flow Measures", Journal of Financial Statement Analysis Fall, pp.40-56.

12-Chen, L.H., (2009), "Income Smoothing, Information Uncertainty, Stock Returns, and Cost of Equity", Working Paper, ARIZONA.

13-Jenkins, D.S., Kane, G.D., Valery, U., (2004), "The Impact of the Corporate Life Cycle on the Value Relevance of Disaggregated Earnings Components", Review of Accounting and finance, Vol.3:5-20.

14-Kim, J.B., Charlie Sohn, B., (2009), "Real versus Accrual-based Earnings Management and Implied Cost of Equity Capital", <http://ssrn.com/abstract=1297938>.

15-LaFond, R., Lang, M., Ashbaugh-Skaife, H., (2007), "Earnings Smoothing, Governance and Liquidity", International Evidence. Working Paper.

16-Michelson, S.E.J., Wotton, J.W.W., (1999), "Income Smoothing and Risk-Adjusted Performance", Journal of Business Finance & Accounting.

17-Roychowdhury, S., (2006), "Earnings management through real activities manipulation", Journal of Accounting and Economics, 42(3): 335-370.

18-Xu, B., (2007), "Life Cycle Effect on the Value Relevance of Common Risk Factor", Review of Accounting and Finance, Vol.6, pp.162-175.